

# پائیز سر دسینمای ایران

مصطفی کزازی  
گزارش

سینمای ایران در پائیز سال ۱۴۰۱، فراز و فرودهای زیادی داشت. از وضعیت اکران گرفته تا فروش فیلم‌ها و گیشه‌های کم‌رونق، که نگرانی‌های زیادی را برای دست‌اندرکاران سینما و مدیران فرهنگی به وجود آورد. اما در همین اوضاع و غور در احوال سینما، به نکات قابل توجهی می‌رسیم. فروش‌های دور از ذهن، شکست‌های عجیب و موفقیت‌هایی عجیب‌تر. در فصل برگ‌ریزان امسال، سینمای کم‌دی آمده بود تا ناچای باشد ولی شکست خورد. اما سینمای انیمیشن و کودک، آینده‌ای روشن را به تصویر کشید و عمده مخاطبین این روزهای سینمای ایران، کودکان و نوجوانان بودند. این همان روزنه‌امیدی است که چراغ سینما را همچنان روشن نگه داشته است. روزنامه صبا در این پرونده، به بررسی وضعیت سینما در سه ماهه پائیز امسال می‌پردازد.

وقتی به آمار فروش، و مجموع نظرات مدیران سینمایی، هنرمندان، منتقدان و مردم درباره فیلم‌های روی پرده در فصل زرد و نارنجی امسال نگاه می‌کنیم، با نقطه نظرات متفاوتی روبه‌رو می‌شویم؛ اما در پس همه این نظرات و اعداد و ارقام یک نقطه اشتراک وجود دارد؛ نگرانی و اضطرابی که سینمای ایران را بسان بیماری در حال کما می‌نمایاند. با توجه به اکثر آمار و نظرات، آن چیزی که به وضوح دیده می‌شود، میزان ریزش شدید مخاطب سینما است؛ که این مسئله باعث قرار گرفتن وضعیت سینما در حالت زرد و نارنجی و نزدیک به قرمز شده است.

سینمای ایران قبل از کرونا وضع خوبی نداشت، اما با پیدا شدن سر و کله‌ی این ویروس منحوس وضعیت سینما وخیم‌تر شد. راهکارهایی که در آن مقطع کمی سینما رو نجات داد، یکی اکران فیلم‌ها در پلتفرم‌ها و دیگری طبق معمول اکران فیلم‌های کم‌دی بود. اما درست وقتی که سینما در حال تلاش برای احیای دوباره بود، اتفاقات ناپسند و ناراحت‌کننده‌ی اخیر داخل کشور، وضع را حتی بدتر از شرایط کرونایی کرد. مخاطبین سینما کم‌تر شدند و در پی آن تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران آثار هم حاضر به اکران فیلم‌هایشان در این مقطع زمانی نشدند.

در این بین، سینماداران و سازمان‌های سینمایی تلاش کردند که با همان طرف‌های همیشگی، یعنی اکران فیلم‌های کم‌دی جدید، تاجای ممکن این شرایط را مهیا کنند، اما ظاهراً عمر جواب گرفتن از این طرف‌ها هم به سر آمده و این راهکار هم دیگر جوابگو نیست. به همین دلیل فعالین عرصه‌ی فرهنگی و دغدغه‌مندان سینما، برای برون‌رفت از این شرایط حاد هر کدام نظراتی ارائه دادند.

علی سرتیپی رئیس انجمن صنفی پخش‌کنندگان سینمای ایران گفته است: فکر می‌کنم در شرایط فعلی هر راهکاری که بتواند به سینما جانی دوباره دهد باید دنبال شود، که یکی از این راه‌ها می‌تواند اکران چند فیلم خارجی خوب باشد. نباید فراموش کرد که توسعه زیرساخت‌های مختلف سینمایی چه در حوزه آی‌تی و چه در حوزه افزایش سالن‌های سینمایی، بدون اکران فیلم‌های سینمایی هیچ معنایی ندارد و هیچ پیشرفتی در زمینه نجات سینما صورت نمی‌گیرد.

اما نکته‌ی قابل تأمل اینجاست که، شاید هم‌اکنون فیلم‌های خارجی روز دنیا در سینماهای ایران روی پرده نباشند، اما فیلم‌های، خیزش، غرش، آتش در ژانر درام، یک مکان سکوت ۲ در ژانر وحشت، جنگ برای سیاره میمون‌ها در ژانر تخیلی و چند فیلم خارجی دیگر در سینماهای تهران در حال اکران هستند، که با توجه به تنوع ژانری موجود احتمالاً باید گیشه را تا اندازه‌ای نجات می‌دادند، اما چنین اتفاقی نیفتاده است. پیر و همین مسئله رضا سعیدی پور، سینمادار و کارشناس سینما نیز در مورد اکران فیلم‌های خارجی گفته است: باید پذیرفت شرایط نمایش فیلم خارجی در سینمای ایران با گذشته متفاوت است. در حالی که سال‌هاست امکان تماشای فیلم‌های روز دنیا برای مردم فراهم شده است، نمی‌توان انتظار داشت که سینماها با فیلم خارجی سانسور شده مردم را به سینما رفتن تشویق کنند.

به نظر می‌رسد این نکته، نکته‌ی مهمی است و باید درباره آن کمی تأمل کرد. در چندین سال اخیر مردم به‌وسیله اینترنت دسترسی راحت‌تری به فیلم‌های روز دنیا دارند و باعث شده سطح توقع و سواد سینمایی‌شان نیز بالاتر برود. این را به وضوح در نظراتی که درباره‌ی فیلم‌ها می‌گویند و می‌نویسند، می‌توان دید. برای مثال، درباره‌ی فیلم انفرادی

نظر اکثر منتقدین اینطور است که اثر را سخیف و سطحی می‌دانند. آن‌ها معتقدند که انفرادی نه تنها فیلمنامه‌ای ندارد، بلکه حتی موضوع مشخص و خاصی را هم دنبال نمی‌کند؛ منتقدان بر این باورند که سازندگان چند کلیپ اینستاگرامی دیده‌اند و آن‌ها را با چند بازیگر چهره پر کرده و به هم چسبانده و به‌عنوان یک فیلم سینمایی ارائه کرده‌اند. حالا شاید بگویند این نقدها با مقدار فروش این اثر هم خوانی ندارند و اساساً منتقدین با فیلم‌های پر فروش مشکل دارند؛ اما وقتی به نظرات مردم مراجعه کنید این تصور را کنار خواهید گذاشت. اکثر نظرات مردم درباره انفرادی این است که فیلم قصه و معنای خاصی را دنبال نمی‌کند و تنها خنده‌دار و مفرح است. این یعنی مخاطب می‌داند که اثر از لحاظ کیفی سطح پایینی دارد، اما دلیل استقبال و حضورش چیز دیگری است و این نکته مختص یک ژانر خاص هم نیست. مثلاً شین، فیلمی بود که به‌عنوان سینمای دلپره آور یا وحشت‌به‌روزی پرده سینماها رفت. مخاطبین بعد از دیدن این فیلم همگی اذعان داشتند که این فیلم از بابت نزدیک شدن به ژانر کاملاً نشانه‌ها و فضای ژانر ترسناک را داشته است، اما به‌صورت کلی اثر برای‌شان قابل قبول نبوده است. تمامی این نظرات به مسئله پیشرفت مخاطب در حوزه فیلم و سینما صحنه می‌گذارد. با توجه به این نکات می‌شود نتیجه گرفت اکران فیلم‌های خارجی راهکار مناسبی برای حل کردن مشکل فروش در سینما نیست و نهایتاً شاید، آن هم شاید، بتواند به‌صورت مقطعی معضل فروش در گیشه‌ی سینماها را حل کند.

سعید خانی پخش‌کننده و تهیه‌کننده سینما، اما برای عبور از این شرایط نظری متفاوت دارد، او می‌گوید: اجازه دهند فیلم‌هایی که به دلیل ممیزی پشت خط اکران مانده‌اند و در صورت اکران می‌توانند گلیم خود را از آب بیرون بکشند، اکران شوند. اکران فیلم‌هایی مثل، چپ راست، برادران لیلا، شیشلیک و قاتل و وحشی در این وضعیت می‌تواند کمک‌کننده باشد، اما دوستان سازمان سینمایی درباره این مسئله ملاحظاتی دارند.

فارق از اینکه این نظر را باید راهکاری برای خروج از این مقطع حساس سینما دانست و با استفاده از شرایط برای رفع توقیف آثار، باید توجه داشت که اکثر نظرات پیشنهادی، برای یک بازه زمانی کوتاه راهکار ارائه می‌دهند. در حالیکه تقلا بی‌خودی و یا درمان‌های مقطعی‌ای که همچون مسکن‌ها عمل می‌کنند، راهکار اصلی حل مشکل فروش در سینمای ایران نیستند. به نظر می‌رسد باید مسئله را ریشه‌ای‌تر بررسی کرد. آنچه واضح است این است که، دو فاکتور بسیار مهمی که بیشترین سهم و دلیل اصلی به وجود آمدن چنین شرایطی برای سینما هستند عبارات تند از گرانی بلیط سینما و تمامی اقلام و ضعف بودن آثار سینمایی. در مورد معضل گرانی، این واقعیت بر هیچ‌کدام ما پوشیده

نیست که اوضاع اقتصادی نابسامانی را در این ماه‌ها از سر می‌گذرانیم. همچنین می‌دانیم که مردم اولویت مخارج‌شان بامسکن، خوراک و پوشاک، و سپس تفریح است. این مسئله باعث می‌شود تعداد قابل توجهی از مخاطبین به خاطر در اولویت نبودن تفریح در زندگی‌شان مخاطب سینما نباشند. در ادامه، عده‌ای که می‌توانند کمی هزینه برای تفریح کنار بگذارند، به دنبال تفریحی ارزان و به‌صرفه می‌گردند. با توجه به قیمت بلیط‌های امروز سینما، قسمت اعظم این دسته از مردم هم این تفریح را انتخاب نمی‌کنند. حالا می‌ماند آن‌هایی که انتخاب‌شان در هر حال سینما است. آن‌ها به سینما می‌آیند و با فیلم‌های ضعیف روبه‌رو می‌شوند، در نتیجه بعد از دیدن یکی دو فیلم تصمیم می‌گیرند که تفریح دیگری را انتخاب کرده تا اصطلاحاً پول‌شان را حرام نکنند. از اینجا وارد معضل بعدی یعنی ضعف بودن آثار سینمایی می‌شویم. در بررسی فیلم‌های روی پرده در پائیز امسال، وقتی به نظرات منتقدین و مخاطبین رجوع می‌کنیم، بیشترین چیزی که به چشم می‌خورد نظرات منفی و شکایت از ضعف بودن آثار است. برای مثال در مورد فیلم ابلق، نظر مردم تقریباً با منتقدین همسو است. اکثراً دوربین فیلم اذیت‌شان کرده و فیلمنامه اثر را بسیار ضعیف می‌دانند و مجموعاً ابلق را دوست نداشته‌اند. اما بخشی از نظرات هم که مثبت بوده، به بازی تعدادی از بازیگران بازمی‌گردد و مخاطبان صرفاً بازی متفاوت آن‌ها را اثر دوست داشته‌اند. در مورد فیلم تی‌تی، هم نکاتی که اکثر منتقدین و مردم در آن هم نظر هستند، ضعف و مشکلات فیلمنامه‌ای، کارگردانی متوسط، و بازی‌های خوب است. همان‌طور که دیده می‌شود غالب موارد، معضل و مشکل اصلی را فیلمنامه و شخصیت‌پردازی ضعیف فیلم‌ها می‌دانند. حتی در آثار انیمیشن و کودک و نوجوانی که، ناچای کوچک این روزهای سینمای ایران بوده‌اند. درباره انیمیشن پسر دلفینی، منتقدین اشاره کرده‌اند، اثر به صورت کلی قابل قبول و با کیفیت است. آن‌ها تمام ایرادهای وارده را در بخش فیلمنامه و شخصیت‌پردازی می‌دانند. در لوپتو، هم همین نکته پابرجاست. منتقدین بر این باورند که لوپتو از بابت ساخت و تکنیک، اثری روبه‌جلو و با کیفیت مناسب است؛ اما، از بابت فیلمنامه، شخصیت‌پردازی و ارتباط‌گیری با مخاطب هدف، ضعیف عمل کرده است. همگی می‌دانیم این مشکل سال‌هاست گریبان‌گیر سینمای ایران بوده است و اصل موضوع، تخصصی‌ندانستن حرفه فیلمنامه‌نویسی است. علی‌رغم تمام اشارات و صحبت‌ها در مورد اینکه فیلمنامه بستر